

یادگیری خودراهبر

مجید کیکاوسی
معلم درس پیام‌های آسمانی

اشاره

فراگیری کرونا برای ما معلمان آورده‌های زیادی داشته است: آموزش از راه دور یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شده است. خانه تغییر نقش داده و علاوه بر نقش‌های گذشته، «مدرسه» نیز شده است.

در این شرایط، نقش و عملکرد معلم و والدین نیز تغییر می‌کند. کرونا به همه ما نهیب زد که معلم مجری عملیاتی کردن کتاب درسی نیست، بلکه معلم اندیشمندی است که برنامه درسی باید بر اساس دانش‌ها و مهارت‌های او، و بر اساس شرایط زمان و مکان، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی شود. در این شرایط نیز معلم در صورتی «اصالت» دارد که عاملیت او حذف نشود و مسئولیت خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی را بر عهده بگیرد.

عاملیت معلم در برنامه درسی به این معناست که او به‌عنوان برنامه‌ریز درسی، برای طراحی هر واحد یادگیری، به چند سؤال پاسخ دهد:

- موضوع بر اساس کدام نیاز پیشنهاد شده است؟
- چرا دانش‌آموزان باید موضوع موردنظر را یاد بگیرند؟
- دانش‌آموزان با یادگیری موضوع موردنظر به چه

شایستگی‌هایی می‌رسند؟

- دانش‌آموزان برای رسیدن به شایستگی و اهداف موردنظر چه محتوایی را باید بیاموزند؟
- دانش‌آموزان با انجام دادن چه فعالیت‌هایی موضوع موردنظر را یاد می‌گیرند؟

- معلم برای یادگیری بهتر و آسان‌تر موضوع، کلاس را چگونه هدایت و سامان‌دهی می‌کند؟

- دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر و آسان‌تر از چه ابزارها و وسایلی استفاده می‌کنند؟

- دانش‌آموزان موضوع موردنظر را با چه نوعی از گروه‌بندی بهتر یاد می‌گیرند؟

- دانش‌آموزان موضوع یادگیری را در چه مکان‌هایی می‌توانند بیاموزند؟

- دانش‌آموزان موضوع موردنظر را در چه زمان‌هایی بهتر می‌آموزند؟

- میزان یادگیری دانش‌آموزان چگونه سنجش و ارزشیابی می‌شود؟

در شرایطی که هم اکنون قرار داریم، مدرسه‌ها از نبود

دانش‌آموزان دلگیرند و آموزش به‌صورت غیرحضوری ارائه می‌شود. باید تلاش شود آموزش بیش از پیش از رویکردهای آموزش فعال بهره‌مند شود و شاید بتوان ادعا کرد، از این مسیر است که آموزش در خانه به معنای توقف تربیت مدرس‌های نباشد. شرایط حاضر زمینه‌های ایجاد کرده است که دانش‌آموزان باور کنند مسئولیت یادگیری با خود آنان است. به عبارت دیگر، شرایط موجود زمینه‌ای شده است تا مهارت‌های فراشناختی مانند: خودراهبری، خودبرنامه‌ریزی، خودنظارتی، خودارزشیابی، خودبازاندیشی و خودتنظیمی در دانش‌آموزان پرورش یابد و رشد کند.

نکته مهم این است که یادگیری مهارت‌های فراشناختی کاری تدریجی و نیازمند تلاش و حوصله فراوان است و می‌تواند برای بعضی از دانش‌آموزان چالش‌ها و اضطراب‌هایی ایجاد کند. از این رو، معلمان و خانواده‌ها باید آنان را هدایت و حمایت کنند. نگارندگان، با آگاهی از مهارت‌های فراشناختی، بر این باورند که مهم‌ترین ویژگی انسان اختیار و آزادی اوست. این آزادی قابلیت به انسان می‌دهد که بتواند از موقعیت‌های تحمیل شده فرار کند و اگر خود موقعیتی را انتخاب کند، در مقابل آن و نتایج و پیامدهایش خود را مسئول بداند. با این نگاه به انسان، هدف مهم و اساسی تربیت، رشد و گسترش آگاهی فرد، فراهم کردن فرصت انتخاب، تأکید بر خودشناسی، رشد و مسئولیت شخصی است. و برنامه درسی زمینه‌ساز و ابزاری است برای تحقق هدف توجه به تفاوت‌های فردی. اگر بخواهیم به تفاوت‌های فردی توجه کنیم، باید شرایطی ایجاد شود تا فرد بتواند از مسیر یادگیری آگاهی داشته باشد و برای آن تصمیم بگیرد.

خودراهبری در یادگیری فرایندی است که در آن یادگیرندگان مسئول طراحی و ارزیابی تجربه‌های یادگیری خود هستند. بر اساس این دیدگاه، به یادگیرندگان اجازه داده می‌شود با اتکا به خود، یادگیری را دنبال و از اهداف مراقبت کنند و راهبردهای محتوا و رویه‌ها را مشخص و ارزشیابی کنند.

یادگیری خودراهبر، به دلیل تأکید بر عناصری شناختی که یادگیرنده از آن‌ها آگاه است، و توجه به خودمختاری و استقلال، باعث تسهیل یادگیری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی می‌شود.

اهداف این نگاه و رویکرد انسان‌گرایانه در آموزش عبارت‌اند از: خودراهبری، استقلال و خلاقیت یادگیرندگان.

مبانی مفروضات یادگیری انسان‌گرا عبارت‌اند از:

- دانش‌آموزان چیزی را یاد می‌گیرند که به آن نیاز و علاقه

دارند.

- تمایل به یادگیری و آگاهی از چگونگی یادگیری، از کسب اطلاعات مهم‌تر است.

- احساسات و عواطف به اندازه شناخت اهمیت دارند و بر این اساس، یادگیری چگونه احساس کردن، به اندازه یادگیری چگونه اندیشیدن اهمیت دارد.

- یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که برای دانش‌آموزان تهدیدآمیز نباشد.

تجربه زیسته نگارندگان بر این است که اگر بتوانیم از مهارت‌های گفت‌وگو و تفکر نظام‌دار استفاده کنیم، علاوه بر رشد مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان در فضای غیرحضوری، می‌توان آرامش و امنیت را نیز به ارمغان آورد که شاید مهم‌تر از رشد مهارت‌های فراشناخت باشد!

بر اساس تجربه‌هایی که در تابستان سال ۱۳۹۹ در بعضی از کلاس‌های آموزشی غیرحضوری مدرسه برای معلمان داشتیم، به این نتیجه رسیدیم، زمانی که یادگیرنده در آموزش غیرحضوری، بنا بر هر دلیلی، لحظاتی از کلاس خارج می‌شود یا از آن فاصله می‌گیرد، پس از بازگشت به کلاس، توانایی همراهی با کلاس را ندارد! و در ادامه، به دلیل ندانستن موضوع بحث در کلاس، منفعل و سردرگم است. بر این اساس، با مطالعه منابع به این نتیجه رسیدیم: «تعیین اهداف یادگیری صریح، به یادگیرندگان کمک می‌کند آنچه را باید انجام دهند یاد بگیرند و بدین ترتیب خودگردان شوند». به نظر می‌رسد این نکته، در زبان تفکر نظام‌مند، «به‌اشتراک گذاشتن چشم‌انداز» باشد که در همراهی افراد گروه برای رسیدن به چشم‌انداز تأثیر زیادی دارد.

بر همین اساس، سعی کردیم در شرایط آموزش غیرحضوری که به دلایل گوناگون گاهی اوقات ارتباط دانش‌آموزان با کلاس قطع می‌شد، پس از اتصال مجدد، ابتدا آنان را از نظر اضطراب و نگرانی آرام و بعد بقیه مطلب را دنبال کرد. بر این اساس، در شروع سال تحصیلی، نقشه راه سال را به دانش‌آموزان ارائه و در آن مشخص کردیم درس‌ها چگونه ارائه می‌شوند. بر همین مبنا، در هر جلسه، ابتدا برنامه‌ای را که امروز دنبال خواهیم کرد، در بخش‌های خود به دانش‌آموزان ارائه کردیم. اگر دانش‌آموزی بنا بر هر دلیلی از کلاس خارج می‌شد، پس از وارد شدن مجدد به کلاس، متوجه می‌شد از کدام قسمت بحث کلاسی جامانده است. بنابراین، پس از کلاس، ابهام و اشکال او را برطرف می‌کردیم.